

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، صفحات ۳۶-۵

بررسی مشکل ضمانت‌ها و وثایق در صنایع خرد و کوچک کشور و ارائه راهکارهایی برای آن با رویکرد تطبیقی

سارا اسدیگی

کارشناس ارشد اقتصاد

Sara_asadbeigi@yahoo.com

سودابه حاج‌باقر زنجانی

کارشناس اقتصاد

s_zanjany@yahoo.com

سارا اختیاری نیکجه

کارشناس ارشد اقتصاد

ekhtiary_nikjoo@yahoo.com

در اغلب کشورهای در حال توسعه برای بهره‌مندی بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط از منابع مالی بخش رسمی اقتصاد محدودیت‌های عدیده‌ای وجود دارد. این معضل که عموماً تحت عنوان «تجزیه اقتصادی» مورد تحلیل واقع می‌شود، ناشی از آن است که بنگاه‌های بزرگ صنعتی و تجار بزرگ، پس از دولت عمده‌ترین سهم منابع مالی نظام بانکی را به خود اختصاص می‌دهند. لذا بانک‌ها ناچارند برای حفظ بنیه مالی خود، منابع مالی باقی‌مانده را در بالاترین نرخ‌ها و با پایین‌ترین ریسک ممکن و در قبال وثایق ملکی اعطا کنند که بالتبع این شرایط سبب می‌شود صنایع کوچک تا حد زیادی از امکانات بخش مالی رسمی محروم شوند. نظر به این که، برخورداری از راهبرد مشخص در تأمین مالی صنایع به ویژه صنایع خرد و کوچک و لحاظ تدابیر سنجیده در تأمین وثایق مورد نیاز این دسته واحدها، می‌تواند در توسعه صنعتی مؤثر واقع شود، این مقاله به دنبال کسب رهیافت‌های نوین در این حوزه تهیه و تدوین شده است.

واژگان کلیدی: تأمین مالی، صنایع خرد و کوچک، تجربه کشورهای منتخب، ضمانت‌ها و وثایق.

۱. مقدمه

یکی از موانع عمده بر سر راه اعتباردهی به بنگاه‌های خرد و کوچک، توانمند نبودن آن‌ها از لحاظ دارایی‌های ملموس برای ارائه به عنوان وثیقه و اخذ ضمانت‌نامه است که منجر به ایجاد چرخه‌ای باطل می‌شود. در واقع این دسته بنگاه‌ها تنها بعد از مستحکم کردن موقعیت خود در صحنه تولید و جلب اعتماد مشتریان می‌توانند به تأمین مالی از منابع بانکی و مؤسسات مالی امیدوار شوند. حال آن که، در راه رسیدن به این مرحله از استحکام و اعتمادسازی، تعداد زیادی از واحدهای تولیدی کوچک از پا در می‌آیند و از گردونه کسب و کار حذف می‌شوند. بنابراین، بنگاه‌های خرد و کوچک همواره برای تأمین سرمایه و منابع مالی لازم برای خرید مواد اولیه، ماشین‌آلات جدید و گسترش خط تولید با مشکل مواجه هستند و نیاز به مراجعی دارند که یا این منابع را برای آنها فراهم کنند یا نزد بانک‌ها ضمانتشان کنند.

در کشورهای بسیاری این نوع مراجع و سازمان‌ها برای حمایت از واحدهای کوچک تولیدی به وجود آمده است و در کشورهایی چون کره جنوبی، مالزی، تایوان و هندوستان مؤسسات اعتباری پشتیبانی‌کننده متعددی از قبیل بانک‌های صنعتی، صندوق ضمانت اعتباری و سایر مؤسسات دولتی و خصوصی وجود دارد که انواع وام‌ها را با نرخ بهره نسبتاً پایین در اختیار واحدهای صنعتی کوچک به منظور تأمین سرمایه، گسترش خط تولید و صادرات کالا به بازارهای جهانی قرار می‌دهند. مسئله مطالعه حاضر، یافتن راه‌هایی برای تسهیل فرایند تأمین مالی واحدهای خرد و کوچک با تأکید بر جایگزینی برای روش‌های متعارف ضمانت و وثیقه‌گذاری بانکی به اتکای تجربیات دیگر کشورهای جهان است.

۲. تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط

اهمیت تأمین مالی صنایع خرد، کوچک و متوسط متأثر از نقش این صنایع در توسعه اقتصادی به دلایل متعددی از جمله کسب مهارت و بهبود سطح درآمد افراد در مشاغل جدید، حضور بخش خصوصی بالنده در اقتصاد کشورها، فرصت حضور و نقش‌آفرینی کارآفرینان و صاحبان ایده‌های برتر در توسعه اقتصادی، افزایش سرمایه اجتماعی، توسعه فرصت‌های شغلی، ایجاد فضای رقابتی و افزایش کارایی در اقتصاد است. در جدول ذیل تعاریف مختلف چند کشور انتخابی از صنایع کوچک و متوسط ارائه شده است.

جدول ۱. تعاریف مختلف چند کشور انتخابی از استراتژی صنعتی

ردیف	کشور	تعریف صنایع کوچک و متوسط	معیار
۱	کره جنوبی	صنایع کوچک و متوسط	تعداد کارکنان و دارایی
		کمتر از ۳۰۰ نفر کارکن و دارایی بین ۲۰ تا ۸۰ بیلیون اون کره	
۲	امریکا	صنایع کوچک و متوسط	تعداد کارکنان
		کمتر از ۵۰۰ نفر کارکن	
۳	ژاپن	صنایع کوچک	تعداد کارکنان و دارایی
		کمتر از ۲۰ نفر	
۴	مالزی	صنایع متوسط	تعداد کارکنان و دارایی
		بین ۲۰ تا ۳۰۰ نفر و کمتر از ۱۰۰ میلیون ین	
۵	هند	صنایع کوچک	تعداد کارکنان و دارایی
		صنایع خرد میزان سرمایه در گردش و سرمایه گذاری در ماشین آلات تجهیزات بنگاه‌های تولیدی حداکثر ۵۰ هزار دلار و بنگاه‌های خدماتی حداکثر ۲۰ هزار دلار	
		صنایع کوچک میزان سرمایه در گردش و سرمایه گذاری در ماشین آلات تجهیزات بنگاه‌های تولیدی بین ۵۰ هزار تا یک میلیون دلار و بنگاه‌های خدماتی بین ۲۰ هزار تا ۰/۴ میلیون دلار	
		صنایع متوسط میزان سرمایه در گردش و سرمایه گذاری در ماشین آلات تجهیزات بنگاه‌های تولیدی بین ۱ تا ۲ میلیون دلار و بنگاه‌های خدماتی بین ۰/۴ تا ۱ میلیون دلار	
۶	چین	صنایع کوچک و متوسط	تعداد کارکنان
		صنایع خرد	تعداد کارکنان
		صنایع کوچک	تعداد کارکنان
		صنایع متوسط	تعداد کارکنان
۷	ایران	صنایع کوچک و متوسط	تعداد کارکنان
		صنایع خرد	تعداد کارکنان
		صنایع کوچک	تعداد کارکنان
		صنایع متوسط	تعداد کارکنان

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

به طور کلی توسعه زیرساخت‌های مالی در خصوص توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط شامل مؤسسات غیردولتی (NGO^۱ها)، بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی تخصصی می‌شود. همچنین انواع خدماتی که نهاد مالی توسعه‌ای می‌تواند به SMEها ارائه کند، بر اساس مدت زمان بازگشت سرمایه اولیه و سود حاصل از آن عبارت است از:

۲-۱. سرمایه‌گذاری پرخطر (vc)^۲

در این حالت بازگشت سرمایه در بازه زمانی کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتد. تأمین‌کنندگان این منابع مالی، به دنبال سود بسیار بالا هستند و از این رو حاضرند ریسک بالایی را برای به دست آوردن سود بیشتر متحمل شوند. به همین دلیل نیز سرمایه خود را در اختیار صنایع نوپا و کارآفرینانی که طرح‌ها و ایده‌های نو دارند، قرار می‌دهند تا کارآفرینان بتوانند این ایده را عملی کنند و اگر محصول آنان تجاری شود سود بالایی را کسب می‌کنند.

۲-۲. بانکداری توسعه‌ای

بانک‌های توسعه‌ای - با افق بازگشت سرمایه کوتاه‌مدت یا بلندمدت - نهادهای مالی با مالکیت و حمایت دولتی هستند. مزیت مهم بانک‌های توسعه‌ای نسبت به بانک‌های تجاری در مهارت و تخصص بالاتر است. به علاوه، بانک توسعه‌ای به عنوان یک مشاور و متخصص می‌تواند منابع بانک‌های تجاری را به صورت بهینه به سمت صنایع نوپا هدایت کند و وظیفه برقراری ارتباط و تخصیص بهینه را بر عهده دارد.

۲-۳. تأمین مالی به وسیله نهادها^۳ (DFI)

این مؤسسات دارای مالکیت شبه دولتی بوده، دولت سهامدار اصلی آن محسوب می‌شود و تأمین مالی آنان بیشتر از طریق دولت انجام می‌شود. این تأمین مالی به صورت مستقیم (وام، خرید تجهیزات) و غیرمستقیم (ایجاد حق مالکیت و ...) اعمال می‌شود. هدف اصلی این مؤسسات ایجاد زیرساخت‌ها و کمک به توسعه هسته اصلی صنایع است. دومین هدف مهم این مؤسسات کمک به توسعه تکنولوژی است.

-
1. Non-governmental organization
 2. Venture capital
 3. Development finance Institution

۲-۴. حمایت از سرمایه‌گذاری

حمایت از سرمایه‌گذاری (در این حالت بازگشت سرمایه به صورت بلندمدت است) شامل کلیه فعالیت‌هایی است که هدف آنها عبارت است از تهیه اطلاعات در خصوص وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور، فرصت‌های بالقوه سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران بالقوه و ارائه اطلاعات در مورد وضعیت محیط اقتصادی و بازرگانی و ارائه سرویس‌های مختلف به سرمایه‌گذاران متقاضی سرمایه‌گذاری. معمولاً این دسته حمایت‌ها از جانب دولت و در راستای هدایت مناسب منابع مالی و سرمایه‌گذاری ارائه می‌شود.

۲-۵. پرداخت وام و اعتبارات ارزان و اعطای حمایت‌های مالی

اعطای معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران در کسب و کارهای جدید و در نظر گرفتن وام و معافیت‌های مالیات بر درآمد، ثبت و ... برای این نوع کسب و کارها، از جمله مساعدت‌هایی است که در چارچوب سیاست حمایت از تأسیس کسب و کارهای جدید دنبال می‌شود.

۳. سازوکارهای موجود در کشورهای منتخب به منظور افزایش دستیابی بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط به منابع مالی رسمی و تأمین وثایق مورد نیاز

امروزه کشورهای مختلف تلاش می‌کنند همگام با توسعه نظام مالی و تنوع فعالیت‌های اقتصادی از طریق توسعه و تحول نظام حقوقی اخذ وثایق، قالب‌ها و مکانیزم‌های مناسبی را برای اخذ وثایق در اختیار افراد و بنگاه‌های اقتصادی قرار دهند. لذا در صورتی که نظام حقوقی مربوط به وثایق، همگام با تحولات اقتصادی پیشرفت نکرده باشد، مشکلات متعددی برای بنگاه‌های اقتصادی و در رأس آن بانک‌ها که فعالیت اصلی آنها اعطای اعتبار است، ایجاد می‌شود.

۳-۱. ترکیه^۱

اهداف اصلی سیاست‌های ترکیه به وسیله سازمان برنامه‌ریزی ایالتی ترکیه (SPO)^۲ مشخص شده است. برنامه‌های عملیاتی و استراتژی‌هایی برای دستیابی به اهداف در برنامه SMEها آمده است، که بر این اساس، سازمان توسعه صنایع کوچک و متوسط ترکیه در ۲۲ حوزه مستقیماً از SMEها

1. Organization for Economic Co-operation and Development , 2004
2. State Planning Organization

حمایت می‌کند. این سازمان در ژانویه سال ۲۰۰۳ میلادی، به منظور توسعه خدماتش، فرایند سازمان‌دهی مجدد بر اساس مفهوم «تغییرات مداوم» را آغاز کرد. هم‌اکنون سازمان مسئولیت انجام وظایفی از قبیل توسعه مهارت‌های فنی، بهبود آموزش و دسترسی به اطلاعات، فراهم آوردن مکانیزم‌های مالی مناسب و بهبود زیرساخت‌های مدیریتی برای SMEها را بر عهده دارد. برای کمک به تکمیل این موارد، سازمان یک سیاست حمایتی که شامل ارائه خدمات با کیفیت و در دسترس به SMEها به منظور کمک به آنها در جهت تولید کالاها و خدمات در استاندارد بالا، هزینه پایین و با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و همچنین کمک به حذف موانعی که SMEها در مسیر رقابت داخلی و خارجی ممکن است با آنها مواجه شوند را نیز معرفی کرده است. متعاقب پیگیری سیاست مذکور، تعداد حمایت‌کنندگان از سازمان از ۸ به ۳۸ عدد افزایش پیدا کرده و فرایندهای کاغذبازی اداری کاهش یافته و ساده‌تر شده است.

در مجموع، سیاست‌های خاص حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ترکیه به شرح ذیل است:

- کمک‌های مالی دولت: خزانه‌داری ترکیه منابعی را جهت اعطای وام در اختیار بانک‌های دولتی قرار می‌دهد. دولت همچنین کمک‌هایی را در قالب یارانه‌های قابل برگشت (عمدتاً در حوزه ارتقای فناوری) مستقیماً در اختیار بنگاه‌های کوچک و متوسط که تحت مدیریت مراکز سازمان حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند، قرار می‌دهد. همچنین یکی از برنامه‌های حمایت مالی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ترکیه برنامه اعطای وام به تولیدات بهره‌ور در صنایع کوچک و متوسط با هدف توسعه مشاغل موجود و ایجاد بنگاه‌های جدید است. اجرای این پروژه از سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز شده است و با گشایش دو خط اعتباری در دو بانک اولویت خود را در مناطق شرق و شمال ترکیه قرار داده است.

- برنامه حمایتی از کسب‌وکارهای جدید: مراکز توسعه بنگاه‌ها و مراکز توسعه فناوری که مسئول اجرای این برنامه‌ها هستند، به تأمین مشوق‌های مالی برای فعالیت‌ها و راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه نیز می‌پردازند. این مشوق‌ها می‌توانند تا سقف ۱۰ هزار یورو به سرمایه‌گذاری ثابت و شروع عملیاتی کسب‌وکار اختصاص داده شود. حمایت‌های گسترده‌تر در حوزه راه‌اندازی فعالیت‌های تکنولوژی است که تا ۸۵ درصد (تا ۷۰ هزار یورو) هزینه‌های تولید در

حوزه‌های مواد، تجهیزات و نمونه تولیدات آزمایشی را شامل می‌شود. در صورت موفقیت تولیدات جدید، این سازمان ۳۰ هزار یورو حمایت مازاد را برای نیازهای سخت‌افزاری آن تولید اختصاص می‌دهد.

حوزه حمایتی دیگر این سازمان، حمایت از کارآفرینی در مرکز کارآفرینی سازمان حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط است. این مرکز اطلاعاتی را در خصوص کارآفرینی و فرصت‌های بالقوه مناسب بر اساس تحقیقات بازار در اختیار افراد قرار می‌دهد.

در حوزه تأمین وثایق مورد نیاز جهت دریافت تسهیلات بانکی توسط صنایع کوچک و متوسط که به لحاظ برخورداری از وثایق درخواستی، بانک‌ها به شدت دچار مضیقه هستند، یکی از مهم‌ترین راهکارهای سنجیده شده در ترکیه تأسیس **صندوق ضمانت صنایع کوچک ترکیه**^۱ (KGF) با سرمایه‌ای قابل توجه بوده است. اتحادیه اتاق‌ها و مبادلات کالایی ترکیه^۲ و سازمان توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط این کشور هر یک با حدود ۳۳ درصد مالکیت، سهامداران اصلی این صندوق هستند و پس از آن ۱۹ بانک تجاری این کشور هر یک با سهامی برابر ۱/۷۵ درصد در این صندوق مشارکت دارند. علاوه بر این، کنفدراسیون صنایع دستی کاران و تاجران ترکیه، صندوق مشاغل کوچک و متوسط ترکیه و Foundation for the Promotion of Vocational Training and Small Industry به ترتیب با ۰/۱۴، ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۵ درصد در این صندوق مشارکت دارند. شایان ذکر است این صندوق با نگاه توسعه صادرات و افزایش اشتغال و نیز توسعه منطقه‌ای، جوانان و زنان کارآفرین را در حوزه صنایع نوآورانه و برخوردار از فناوری پیشرفته مورد حمایت‌های ویژه‌ای قرار می‌دهد.

۳-۲. کره جنوبی^۳

در سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی، سیاست‌های دولت معطوف به توسعه صادرات و حمایت فنی اساسی و گسترده از بنگاه‌های کوچک و متوسط بود. در طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی، تأکید دولت بر ارتقای فن‌آوری صنعتی و کمک به صنایع تخصصی‌تر سوق پیدا کرد. امروزه کره جنوبی

1. Kredi Garanti Fonu
2. Union of Chambers and Commodity Exchanges of turkey
3. International Development Research Centre, 2002

شبکه گسترده حمایت مالی و فنی از بنگاه‌های کوچک و متوسط دارد که در همه زمینه‌ها به ویژه در توسعه فن آوری و صادرات بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. با این حال در زمان بحران سال ۱۹۹۸ میلادی، شدت محدودیت‌ها و فشارهای وارد بر اکثر بنگاه‌های کوچک و متوسط به حدی بود که حتی این ساختار حمایتی گسترده نیز برای تأمین نیازهای فوری بنگاه‌ها کفایت نمی‌کرد. سیاست‌های کره جنوبی در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط عبارتند از:

- **اصلاح ساختارهای بنگاه‌های کوچک و متوسط:** برای تأمین مالی هزینه‌های مربوط به نوسازی، بازسازی، اصلاح ساختار و تأمین مخارج مربوط به دستیابی فناوری‌های پیشرفته برای ورود این بنگاه‌ها به بازارهای جهانی، انتشار اوراق قرضه عمومی مورد توجه است. این تجربه ابتدا در بخش تولید به کار گرفته شد و پس از مشخص شدن آثار مثبت آن، هم‌اکنون به بخش خدمات نیز در حال گسترش است.

- **حمایت از کاربرد فناوری اطلاعات:** تسهیل دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) می‌تواند مزیت‌های زیادی مانند فراهم کردن نیازهای مواد اولیه و سرمایه به نحو کارا، کاهش هزینه‌ها، دسترسی سریع و آسان به اطلاعات و نیازهای اداری، اطلاع‌رسانی در خصوص تولیدات و خدمات در فضای مجازی و ورود به بازارهای مالی جدید را به ارمغان آورد. اعطای وام لازم برای خرید و نصب سخت‌افزارها و تجهیزات مورد نیاز و ایجاد شبکه ارتباطی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با یکدیگر و با سازمان‌های حامی آن‌ها از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری از برنامه‌هایی است که به تازگی به بهره‌برداری رسیده است.

- **پشتیبانی مالی از بنگاه‌های کوچک و متوسط:** این سیاست با هدف تقویت قدرت رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در مناقصه‌ها و مزایده‌ها و از طریق تشکیل صندوق مشترک به اجرا درآمده است. همچنین برای بهبود شرایط دستیابی بنگاه‌های کوچک و متوسط به وام‌ها، منابع مالی و سایر اعتبارات از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای و تشکیل گروه‌هایی با نهادهای مالی و سایر سازمان‌های ذی‌نفع در این راه تلاش می‌شود. حمایت‌های مالی ویژه از بنگاه‌هایی که از روند رو به رشدی برخوردار بوده و به علت ورشکستگی سایر بنگاه‌های طرف قرارداد در معرض مخاطرات مالی قرار دارند نیز در چارچوب این سیاست، مساعدت و کمک مالی صورت می‌گیرد. از سویی در

چارچوب سیاست تضمین وام و اعتبار و گواهی‌های منتشره، پشتیبانی مالی دو صندوق برای تضمین اعتبارات^۱ و تضمین اعتبارات فناوری ایجاد شده است. صندوق تضمین اعتبارات کره جنوبی با مشارکت دولت (بر مبنای سیاست‌های سالانه دولت میزان مشارکت متفاوت است و بانک‌ها نیز ملزم به همکاری با دولت برای افزایش این وجوه هستند) و مؤسسات مالی و اعتباری این کشور و حتی بنگاه‌ها ایجاد شده است^۲. لذا افزایش منابع صندوق حسب سیاست دولت کاملاً سیستماتیک است و از این منظر بانک‌ها ملزم به پرداخت اعتبارات ویژه‌ای در سال هستند که در هر صورت از ۰/۳ درصد از تسهیلات آن‌ها فراتر نمی‌رود. شایان ذکر است دولت از سال ۲۰۱۲ میلادی هیچ‌گونه افزایش سرمایه‌ای در این صندوق نداشته و تمامی آورده مورد نیاز از طریق مؤسسات مالی و بانک‌ها و نیز بنگاه‌های بزرگ تأمین شده است. از این منظر نهادهای فوق معادل ۸۳۷ بیلیون KRW آورده در صندوق دارند. هم‌اکنون مجموع سهام صندوق معادل ۶،۰۵۴ بیلیون KRW است. نکته دیگر این که میزان تضامین ارائه‌شده از سوی صندوق حداکثر تا ۲۰ برابر سرمایه آن است. همچنین ایجاد نظام بیمه‌ای برای حمایت از بنگاه‌ها در مقابل خطرات ناشی از ورشکستگی خریداران و بنگاه‌هایی که کالاهایی را سفارش می‌دهند، از دیگر برنامه‌های اجرایی در این زمینه است. در خصوص مساعدت در توسعه فناوری‌های جدید توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط، ایجاد صندوق‌های مالی-اعتباری جهت حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای خرید فناوری‌های جدید نیز از جمله برنامه‌هایی است که در چارچوب این سیاست‌ها پیگیری می‌شود. علاوه بر آن، ایجاد کنسرسیومی بین صنایع، دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی برای پیشبرد پروژه‌ای به نام «توسعه فناوری» نیز بخش دیگری از تلاش‌های کره جنوبی در این زمینه است.

۴. مسائل و چالش‌های تأمین مالی در بخش صنعت

آمار و اطلاعات منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد نقدینگی جامعه از ۱۵۶۸۷/۶ میلیارد ریال ابتدای سال ۱۳۶۸، با رشد متوسطی معادل ۲۸ درصد در سال به ۴۶۰۶۹۳۵/۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. حال آن که، طی همین مدت تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ با رشد اندک ۴/۴ درصدی از ۷۴۵۳۵۷/۴ میلیارد

1. Korea Credit Guarantee Fund (KODIT)

2. www.kcgf.co.kr

ریال در ابتدای سال ۱۳۶۸ به حدود ۲۰۱۱۵۵۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ رسیده است. این رشد به ترتیب در بخش‌های معدن، صنعت و معدن معادل ۹/۸، ۷/۵ و ۷/۶ درصد گزارش شده است. چنین شرایطی حاکی از آن است که نرخ رشد نقدینگی بسیار بالاتر از نرخ رشد اقتصادی بخش صنعت و معدن و در نهایت رشد اقتصادی کشور بوده است. وضعیتی که مؤید وجود چالش در نظام توزیع منابع مالی در بخش تقاضا و وجود مشکل حبس نقدینگی در بخش صنعت و معدن است.

با وجود این، اهمیت رشد بخش صنعت در شتاب‌دهی به شرایط رشد و توسعه‌ای کشور ایجاب می‌کند مسائل و راهکارهای ویژه تأمین منابع مالی بخش صنعت با جدیت ویژه‌ای مورد توجه و تأمل قرار گیرد. لذا در ادامه وضعیت فعلی نظام تأمین مالی از منظر ساختار برون‌بخشی و مسائل درون‌بخشی، مورد تأمل قرار می‌گیرد.

۴-۱. نظام تأمین مالی بخش صنعت در ایران

تأمین مالی در قالب دو روش قرض (بدهی) یا غیرقرض (مشارکت) دارای کارکرد تأمین سرمایه ثابت (برای خرید یا اجاره یا تعمیر تجهیزات) و یا سرمایه در گردش (برای خرید نهاده‌ها و پرداخت کارمزد نیروی انسانی) است. در یک دسته‌بندی کلی، نهادهای مالی در بخش مالی اقتصاد ایران به نهادهای مالی سپرده‌پذیر، نهادهای مالی قراردادی و نهادهای مالی سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار تقسیم می‌شوند. در این میان، نهادهای مالی سپرده‌پذیر کشور را می‌توان به شرح بانک‌های دولتی (تجاری و تخصصی) و خصوصی، مؤسسات مالی غیر بانکی، تعاونی‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه برشمرد. بیمه‌های بازرگانی، بیمه‌های اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی، واسطه‌های مالی قراردادی در اقتصاد ایران هستند. شرکت‌های سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار نیز نهادهای مالی سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهند.

بازار سرمایه و فروش سهام به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین مالی، تنها در حوزه صنایع بزرگ قابل استفاده است. بر این مبنا دور از انتظار نیست که از مجموع بیش از ۳۰۰ هزار شرکت ثبت‌شده در کشور، تنها کمتر از ۵۰۰ شرکت (از جمله شرکت‌های فعال در حوزه بخش صنعت) در بورس اوراق بهادار پذیرش شده و قابلیت بهره‌گیری از این ابزار در تأمین مالی را دارا باشند.

جدول ۲. ابزار تأمین مالی در بنگاه‌های فعال صنعتی از منظر اندازه

اندازه بنگاه	نوع تأمین مالی
صنایع بسیار کوچک	دارائی‌های شخصی
	اعتبار پشتیبان
	جریان نقدی
	خط اعتبار
	وام‌های بانکی با ضمانت شخصی
	مبالغی از دوستان و فامیل
	سهامی از طرف دوستان
	حساب‌های دریافتی
	مساعدت دولت
	خرید نسبه از دیگر بنگاه
بخش مالی غیررسمی	
صنایع کوچک	دارائی‌های شخصی
	سودهای انباشته
	حساب‌های دریافتی
	منابع بانکی با ضمانت شخصی
	لیزینگ
	مساعدت دولت
	کارگزارانی که سرمایه مخاطره‌پذیر در مقیاس کوچک مهیا می‌کنند.
	تزریق پول بوسیله شرکا
	خرید نسبه از دیگر بنگاه
	بخش مالی غیررسمی
سودهای انباشته	
صنایع متوسط	سرمایه مخاطره‌پذیر
	کارگزارانی که سرمایه مخاطره‌پذیر در مقیاس کوچک مهیا می‌کنند.
	لیزینگ
	تزریق پول بوسیله شرکا
	وام‌های نهادی بدون ضمانت شخصی
	مساعدت دولت
	بخش مالی غیررسمی
	فروش سهام
	سرمایه مخاطره‌پذیر
	وام‌های نهادی بدون ضمانت شخصی
مساعدت دولت	
صنایع بزرگ	سودهای باقیمانده
	مساعدت دولت

مأخذ: شرکت تأمین سرمایه امین، اردیبهشت ۱۳۸۷.

این در حالی است که با عنایت به توزیع اندازه بنگاه‌های کشور، بخش غالب بنگاه‌ها در تأمین مالی از بازار بورس ناتوان هستند. اطلاعات موجود نشان می‌دهد بنگاه‌های خرد ۹۶/۵ درصد از بنگاه‌های ثبت شده کشور را تشکیل می‌دهند^۱. سهم بنگاه‌های کوچک ۲/۵ درصد و بنگاه‌های متوسط و بزرگ هر یک ۰/۵ درصد است.

جدول ۳. توزیع بنگاه‌های کسب و کار رسمی در کشور

نوع بنگاه	تعداد کارکن	سهم (درصد)
خرد	< ۱۰	۹۶/۵
کوچک	۱۰-۴۹	۲/۵
متوسط	۵۰-۱۴۹	۰/۵
بزرگ	> ۱۵۰	۰/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران.

نکته: داده‌های مربوط به اصناف سهم واحدهای خرد را بیشتر خواهد کرد.

ارقام مذکور گویای نکاتی به شرح ذیل است:

نکته اول: تنها ۱ درصد از بنگاه‌های کشور برای فعالیت اقتصادی خود قادر به استفاده از منابع بانکی بدون ضمانت شخصی هستند. تأمین مالی این گروه از طریق بازار سرمایه نیز غالباً با مانعی جدی مواجه نیست. حال آن که، ۹۹ درصد از بنگاه‌های کشور جهت تأمین مالی بانکی و تأمین وثایق مورد نیاز تنها به دارایی‌های شخصی متکی هستند. این دسته بنگاه‌ها جهت تأمین مالی عمدتاً به منابع شخصی، بازارهای غیررسمی، مراودات و گاه حمایت‌های دولتی وابسته هستند.

نکته دوم: سهم حداقل ۹۶/۵ درصد از بنگاه‌های خرد که با افتی شدید، به ۲/۵ درصد در خصوص بنگاه‌های کوچک می‌رسد، به معنای فراهم نبودن شرایط رشد و توسعه‌ای بنگاه‌ها است. در واقع، انتظار می‌رود به عنوان برون‌داد استقرار شرایط مناسب توسعه، بنگاه‌های کوچک از سهمی به مراتب بیش از این برخوردار بودند. این وضعیت نشان می‌دهد، سیاست‌های صنعتی دولت طی

۱- بنگاه‌های صنفی در این ارقام لحاظ نشده‌اند که به یک اعتبار ۱/۵ و به اعتبار دیگر ۲/۵ میلیون بنگاه صنفی داریم. بنگاه‌های غیررسمی (Informals) نیز محسوب نشده‌اند. لذا با احتساب بنگاه‌های مذکور، سهم تعدادی بنگاه‌های خرد کشور از ۹۶/۵ درصد نیز فراتر می‌رود.

سالیان متمادی ناظر بر ایجاد بنگاه‌های جدید بوده و توسعه بنگاه‌ها چندان مورد توجه قرار نداشته است.

نکته سوم: اصولاً کارآفرینی سازمانی، نوآوری، ارتقای بهره‌وری در لایه‌های خاص در بنگاه‌های متوسط اتفاق می‌افتد. لذا پایین بودن سهم بنگاه‌های متوسط به معنای پایین بودن ظرفیت نوآوری و رقابت پذیری صنعت و بنابراین سهم پایین ایران در رقابت‌پذیری جهانی است - در این حوزه یکی از ابزارهای موجود، توسعه خوشه‌های صنعتی (با شکل‌گیری شبکه‌های افقی و عمودی) است.

نکته چهارم: توزیع منابع میان بنگاه‌های کشور نامتقارن است و این به معنی اعوجاج در توزیع منابع است. UNIDO در سال ۲۰۰۳ میلادی گزارشی را منتشر کرد که بر اساس آن حدود ۶۷ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت توسط ۰/۵ درصد از بنگاه‌های بزرگ ایران تولید می‌شود (جدول ذیل) - با این قید که در ایران به بنگاه‌های دارای بالای ۹۹ نفر کارکن، بزرگ اطلاق می‌شود.

جدول ۴. مروری بر وضعیت بنگاه‌های ایران

اندازه بنگاه (تعداد کارکنان)	تعداد (فقره - سهم درصد)	نیروی کار (نفر - سهم درصد)	ارزش افزوده (میلیون ریال - سهم درصد)
< ۵۰	۴۳۸,۳۹۳ ۹۹/۲٪	۱,۳۶۴,۲۹۱ ۶۳/۴٪	۱۹,۷۹۳,۰۸۵ ۲۸/۴٪
۵۰ - ۹۹	۱,۶۸۶ ۰/۴٪	۱۱۳,۴۳۵ ۵/۳٪	۳,۴۸۵,۰۴۲ ۵٪
> ۹۹	۱,۷۹۷ ۰/۴٪	۶۷۳,۷۵۰ ۳۱/۳٪	۴۶,۳۶۰,۵۷۷ ۶۶/۶٪
مجموع	۴۴۲,۴۲۲ ۱۰۰٪	۲,۱۵۱,۴۷۶ ۱۰۰٪	۶۹,۶۳۸,۷۰۴ ۱۰۰٪

مأخذ: unido.

نکته پنجم: این نکته معطوف به روابط شبکه‌ای است. در صنایع توسعه یافته شاهد رابطه عمودی بنگاه‌ها هستیم. حال آن که، در ایران برای ارتباط بین صنایع خرد، کوچک، متوسط و بزرگ، ضعف داریم. به ویژه این که، در قیاس با سهم ۰/۵ درصدی بنگاه‌های متوسط یا بزرگ ایران، در اتحادیه اروپا این سهم بین ۵ تا ۷ درصد است. نظر به اثربخشی بالای این دسته بنگاه‌ها، توسعه صنعتی کشورهای اروپایی تا حدود زیادی از همین تفاوت سهمی و روابط بین بنگاهی نشأت می‌گیرد.

در ادامه و پس از مروری بر کلیات موضوع و ساختار سازمانی فعالیت بنگاه‌های کشور، نهادهای تأمین مالی بنگاه‌ها با تفصیل بیشتری مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۱-۱. بازار سرمایه

بورس اوراق بهادار از جمله مهم‌ترین نهادهای خودتنظیم‌گر فعال در بازار دست دوم اوراق بهادار به شمار می‌آید که به عنوان یک بازار متشکل و رسمی، بعد از نظام بانکی مهم‌ترین متولی جذب و جهت‌دهی منابع مالی است. این بازار با جمع‌آوری نقدینگی جامعه و فروش سهام شرکت‌ها، ضمن به حرکت در آوردن چرخ‌های اقتصاد جامعه از طریق تأمین سرمایه‌های مورد نیاز پروژه‌ها، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و نیز افزایش درآمدهای مالیاتی، منافع اقتصادی چشم‌گیری به ارمغان می‌آورد و در کنار آن، اثرات تورمی ناشی از وجود نقدینگی در جامعه را نیز کاهش می‌دهد.

این بازار زمانی مطلوب تلقی می‌شود که انتقال وجوه را در زمان‌های مختلف و بین افراد مختلف با سهولت و حداقل هزینه ممکن سازد، ابزارهای متنوعی را برای مدیریت مالی فراهم کند، تخصیص منابع مالی اعم از بزرگ و کوچک را میسر کند و اطلاعات کامل را در دسترس همه فعالان بازار قرار دهد.

۴-۱-۲. منابع بانکی و بازار پولی

بنگاه‌های صنعتی جهت راه‌اندازی فعالیت به جز منابع شخصی، حمایت‌های دولتی (از محل طرح‌های زود بازده، اشتغال‌زا و ...) و در نهایت مراجعه به بازارهای پولی راه دیگری ندارند و از این منظر اغلب کارآفرینان بخش صنعت به جز موارد خاص (نظیر حمایت‌های مالی گسترده دولت از توسعه صنعت سیمان)، به شدت به منابع بانکی وابسته هستند. این در حالی است که کارایی پایین بازارهای پولی موجود (اعم از رسمی و غیررسمی)، فرایند تأمین مالی را عملاً زمان‌بر نموده و هزینه بالایی را بر متقاضی تحمیل می‌کند.

چنان که اطلاعات جدول ذیل نشان می‌دهد، بنا بر آخرین اطلاعات موجود، طی برنامه سوم توسعه تا انتهای سال ۱۳۹۱، سهم بخش صنعت و معدن - به غیر از سال ۱۳۹۰ - از مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده است. این سهم تقریباً دو برابر سهم

بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی است و حاکی از تلاش نظام اقتصادی برای جهت‌دهی منابع بخش رسمی به سمت توسعه صنعتی است.

جدول ۵. مانده تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به بنگاه‌های صنعتی و معدنی غیردولتی (هزار میلیارد ریال)

شرح	کل تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و معدن	سهم بخش صنعت و معدن از کل تسهیلات
۱۳۷۹	۳۹/۹	۲۷/۹۳
۱۳۸۰	۵۸/۲	۳۰/۲
۱۳۸۱	۸۱/۵	۳۰/۷۴
۱۳۸۲	۱۲۱/۳	۳۲/۵۲
۱۳۸۳	۱۷۲/۶	۳۳/۵
۱۳۸۴	۲۲۸/۱	۳۱/۶
۱۳۸۵	۲۹۱/۳	۲۸/۴۷
۱۳۸۶	۳۷۳/۶	۲۷
۱۳۸۷	۴۰۳/۶	۲۶/۵۴
۱۳۸۸	۴۵۷/۷	۲۶/۱۸
۱۳۸۹	۶۰۰/۸	۲۴/۹۲
۱۳۹۰	۷۰۸/۲	۱۳/۲
۱۳۹۱	۶۱۹/۳	۳۱/۷

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

وضعیت فوق در حالی مشاهده می‌شود که نرخ سود تسهیلات اعطایی به بخش مذکور، همواره کمتر از نرخ سود بخش خدمات و همچنین کمتر از نرخ سود بازار آزاد تعیین شده است. اگرچه وضع نرخ‌های تبعیضی به نفع بخش، در عمل به ایجاد روال‌های اداری متعدد جهت دریافت تسهیلات منجر می‌شود و هزینه واقعی دریافت تسهیلات برای وام‌گیرنده بخش صنعت را به ارقامی بیش از آنچه در قراردادها عنوان شده، می‌رساند. با این حال به دلیل وضعیت محیط کسب و کار کشور در بخش واقعی و بازدهی پایین‌تر فعالیت‌های تولیدی نسبت به فعالیت‌های سوداگرانه، بسیار دشوار است که پذیریم این منابع لزوماً در مسیر تولید صنعتی حذف می‌شوند. در عمل، سود بالای بورس‌بازی و فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای رقیب تولید مانند بازار زمین، مسکن، ارز و سکه،

سرمایه‌گذاران را به بخش‌های غیرصنعتی هدایت می‌کند و بعضاً حتی بنگاه‌های صنعتی سودده نیز سود عاید شده از منابع دریافتی خود را به صنعت و توسعه کسب‌وکار خود باز نمی‌گردانند.

این در حالی است که فشار بخش دولتی بر منابع بانکی، تسهیلات تکلیفی و مقررات ناظر بر اعطای تسهیلات اولویت‌دار که از سوی دولت به بانک‌ها تحمیل می‌شود، نرخ‌های سپرده قانونی که به صورت تاریخی با آنها هستند و وضع نرخ‌های دستوری سود سپرده و سود تسهیلات پایین، منابع در دسترس بانک‌ها را جهت فعالیت مالی آزادانه محدود می‌سازد. در چنین شرایطی بر ریسک فعالیت مالی بانک‌ها افزوده شده و آنها وادار به فعالیت‌های غیرمولدی می‌شوند که دارای بالاترین بازدهی و کمترین ریسک هستند. تداوم چنین روندی، به افزایش شاخص بهای زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ می‌انجامد و بر این اساس به شدت به صنایع واقع در مناطق دورافتاده کشور (که از تأثیر نرخ تورم بر ارزش اموال غیرمنقول خود منتفع نمی‌شوند و در عمل از ارزش واقعی سرمایه و قابلیت توثیق اموال غیرمنقول آنها کاسته می‌شود) آسیب وارد می‌شود.

شرایط مذکور، کاهش مضاعف توان صنایع کوچک و متوسط در تأمین مالی را در پی دارد. توضیح این که، در چارچوب مقررات تدوین‌شده در نظام بانکی، بخش مدرن و شرکت‌های بزرگ صنعتی که دارای ارتباطات و صورت‌های مالی سازمان‌یافته و اعتبار و وثایق کافی هستند، قادر به تأمین مالی هستند. حال آن که، صنایع کوچک و متوسطی که از ویژگی‌های مذکور و دفاتر حسابداری سازمان‌یافته برخوردار نیستند، در بهره‌مندی از اعتبارات بانکی، جایگاهی ندارند و در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود به شدت به منابع شخصی، فامیلی، دیگر بنگاه‌ها و بازار غیررسمی وابسته هستند.

با این حال، حتی بخش مدرن نیز در شرایط اعمال سیاست‌های انقباضی پولی و اعتباری بانکی مرکزی با محدودیت منابع مالی مواجه می‌شود و با اختلال در محیط کسب‌وکار و بروز بی‌ثباتی در بازار در تأمین منابع مالی مورد نیاز دچار مشکل می‌شود.

نکته دیگر قابل ذکر در مباحث این بخش، اعطای تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی طی سال‌های اخیر به فعالیت‌های صنعتی و معدنی است. شایان ذکر است این مهم اگرچه نقش مؤثری در حمایت مالی از بخش صنعت کشور به ویژه در شرایط تحریم داشته است (بیش از ۹۵ درصد از تسهیلات اعطایی از این حساب به بخش صنعت اعطا شده است)، لکن تحت تأثیر سیاست‌های پولی

دولت، از روند باثباتی برخوردار نبوده است و از نقطه نظر ذی‌نفعان نیز تنها بخش مدرن و صنایع بزرگ را تحت پوشش خود قرار داده است.

۴-۱-۳. تأمین مالی بر اساس ترتیبات داوطلبانه

با توجه به این که نهادهای مالی و اعتباری موجود در کشور با شرایط ایده‌آل بسیار تفاوت دارند و ساختار صنایع کشور به نفع بنگاه‌های کوچک و متوسط با توان مالی اندک است، طبعاً دور از انتظار نیست که روش‌های ساده تأمین مالی، اهمیت بالایی در تأمین منابع مورد نیاز بخش صنعت کشور داشته باشند. در زمینه، شیوه‌های عاملیت^۱، لیزینگ، چک مدت‌دار و تولید بدون کارخانه کاربردی‌ترین انواع این روش‌ها به ویژه در تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط کشور هستند:

۴-۱-۴. تأمین مالی از طریق حمایت نهادهای ویژه دولتی

طی سال‌های اخیر نهادهای مختلف دولتی بنا بر حیطه مسئولیت‌ها و اختیاراتشان، به شیوه‌های مختلفی کمک به تأمین مالی بخش صنعت و معدن را در دستور کار خود قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان نمونه‌های ذیل را برشمرد:

- صندوق توسعه فناوری‌های نوین؛ این صندوق به منظور ارائه خدمات مالی برای کمک به تولید، توسعه و فروش فناوری‌های نوین و بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰۰) قانون برنامه سوم توسعه کشور و اساسنامه مصوب هیأت دولت فعال است؛
- حمایت‌های معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در قالب ستاد ویژه فناوری نانو؛ در قالب حمایت از تعاونی‌های دانش‌بنیان، طرح‌های پژوهشی، ثبت اختراع و حمایت‌های شغلی متقاضیان و جذب آنها در مراکز رشد؛
- حمایت‌های بنیاد ملی نخبگان؛ هدف از تأسیس بنیاد، عبارت است از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و به‌کارگیری و پشتیبانی از آنان در راستای ارتقای تولید علم، فناوری و توسعه علمی

۱- عاملیت، نوعی تأمین مالی در شرکت‌هایی است که حساب‌های دریافتی خود را به کسر (برابر بهره به‌علاوه هزینه کارمزد) یعنی به قیمتی پایین‌تر از آنچه که باید دریافت نمایند، به یک مؤسسه مالی (Factor یا عامل) واگذار می‌کنند و در عوض آن در مدت زمان معین و کوتاهی وجه نقد دریافت می‌نمایند.

و متوازن کشور و احراز جایگاه برتر علمی، فناوری و اقتصادی در منطقه براساس سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴؛

- پارک‌های فناوری با هدف تشکیل مراکز رشد و کنترل و ارزیابی روند رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی؛ تأمین مالی در پارک‌های مذکور از طریق منابعی نظیر طرح بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و وجوه اداره‌شده امکان‌پذیر است؛

- صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک (شرکت مادر تخصصی - سهامی خاص)؛ این صندوق وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت است که با موضوع سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و خدمات کارشناسی، صدور ضمانت‌نامه و حمایت مالی و اعتباری از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک در بخش‌های خصوصی و تعاونی به صورت اعطای تسهیلات بلاعوض و یا تسهیلات بانرخ ترجیحی به افراد حقیقی یا حقوقی فعالیت می‌نماید؛

با وجود تعدد نهادها و صندوق‌های حامی جهت حمایت از رشد و توسعه صنعتی کشور، به نظر می‌رسد کارآفرینان و صنعت‌گران کشور، آگاهی نسبتاً کمی از روش‌های حمایتی تأمین مالی دارند و تنها روش‌هایی را مورد توجه و پیگیری قرار می‌دهند که به اصلاح عمومی و مصطلح‌تر بوده و رایج است.

۴-۱-۴. تضمین تسهیلات بانکی از طریق صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک ایران

صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک ایران - با گستره پوشش صنایع دارای زیر ۵۰ نفر کارکن و به منظور ایفای نقش به عنوان یک نهاد حمایتی - جهت تضمین و تسهیل در توثیق ۷۰ درصد (و در مناطق کمتر توسعه یافته تا ۸۵ درصد) انواع تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به طرح‌های اشتغال‌زا و دارای توجیه اقتصادی صنایع کوچک از سال ۱۳۸۶ و حسب مفاد اساسنامه مصوب مجلس به تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۴ راه‌اندازی شد.

در ایران، در شرایط کنونی و مطابق اساسنامه این صندوق ۱۰۰ درصد تحت تملک دولت قرار دارد. این صندوق همکاری تنگاتنگی با سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران دارد و با صدور ضمانت‌نامه به نفع بانک‌ها و مؤسسات تسهیلات‌دهنده برای تولیدکنندگان، بستر را برای

توسعه و تسهیل همکاری بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با صنایع کوچک فراهم ساخته و بر اساس بخش‌نامه بانک مرکزی ایران نسبت به ارائه ضمانت‌نامه اقدام می‌کند. اولویت‌های صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک عبارتند از:

- سرمایه در گردش واحدهای تولید فعال؛
- تکمیل حلقه‌های مفقوده خوشه‌های کسب و کار؛
- طرح‌های نیمه تمام بالاتر از ۵۰ درصد؛
- طرح توسعه و سرمایه در گردش واحدهای صادراتی؛
- طرح اصلاح و بهینه‌سازی مصرف انرژی؛
- شرکت‌های دانش‌بنیان.

شایان ذکر است بنا بر اطلاعات مآخوذه، این صندوق تا کنون توانسته با اتکا به ۵۰۰ میلیارد ریال سرمایه، تعداد ۴۰۰ ضمانت‌نامه برای ۳۱ استان کشور صادر نماید و از این طریق موجبات ایجاد و استمرار حدود ۱۰,۰۰۰ فرصت شغلی را تسهیل کند.

با عنایت به ماهیت وجودی صندوق و رسالت آن در حمایت از صنایع کوچک - که بیش از ۹۰ درصد کل واحدهای صنعتی کشور را تشکیل می‌دهند - و نیز رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار در دنیا که بر اساس گزارش *Doing Business*، عدد ۱۲۰ است^۱ *World Bank, 2017*، گسترش فعالیت این صندوق می‌تواند نمود زیادی در شکوفایی صنایع کوچک داشته باشد. حال آن که، سرمایه اولیه مصوب صندوق مذکور تا کنون از جانب دولت تکمیل نشده است و هم‌اکنون نیز این صندوق در فهرست نهادهای قابل واگذاری به بخش خصوصی قرار دارد.

سرانه ضمانت‌نامه صنایع کوچک در ایران، ترکیه و آمریکا به ترتیب ۰/۱، ۰/۶ و ۵۷ دلار است یا در مقایسه سهم صندوق از GDP، این سهم به ترتیب ۰,۰۳ و ۰,۱ و ۱ در هزار است، که نشان از ضعف پوشش حمایتی در ایران در سنوات گذشته دارد. علاوه بر این، لازم به ذکر است که در کشورهای توسعه‌یافته صدها صندوق حمایتی صنایع کوچک با کاربردی متفاوت سرمایه‌گذاری -

۱- رتبه شاخص سهولت کسب و کار کشور در سال ۲۰۱۳ میلادی ۱۵۲ در میان ۱۸۵ کشور بود که در گزارش ۲۰۱۷ میلادی بانک جهانی به ۱۲۰ در میان ۱۹۰ کشور جهان ارتقا یافته است.

تسهیلات- پذیرش ریسک ...) فعال است، بنابراین با توجه به مشکلات مالی صنایع کوچک در راه‌اندازی و توسعه در ایران، افزایش پوشش حمایتی صندوق ضروری است.

۴-۱-۲. پرداخت‌های بلاعوض دولتی

طی سال‌های گذشته دولت در قالب طرح‌های مختلفی حمایت‌های متعددی در حوزه معافیت‌های مالیاتی، یارانه سود تسهیلات، اعطای وجوه اداره‌شده و ... از صنایع خرد و کوچک کشور داشته است. لکن به دلیل بازدهی پایین‌تر فعالیت‌های تولیدی نسبت به فعالیت‌های سوداگرانه و افزایش تقاضاهای روزافزون صنایع، بسیار دشوار است که بپذیریم این منابع لزوماً در مسیر تولید صنعتی مصرف شده‌اند. در عمل، سود بالای بورس‌بازی و فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای رقیب تولید مانند بازار زمین، مسکن، ارز و سکه، سرمایه‌گذاران را به بخش‌های غیرصنعتی هدایت می‌کند و بعضاً حتی بنگاه‌های صنعتی سودده نیز سود عاید شده از منابع دریافتی خود را به صنعت و توسعه کسب‌وکار خود باز نمی‌گردانند.

این در حالی است که فشار بخش دولتی بر منابع بانکی، تسهیلات تکلیفی و مقررات ناظر بر اعطای تسهیلات اولویت‌دار که از سوی دولت به بانک‌ها تحمیل می‌شود، نرخ‌های سپرده قانونی که به صورت تاریخی با آنها هستند و وضع نرخ‌های دستوری سود سپرده و سود تسهیلات پایین، منابع در دسترس بانک‌ها را جهت فعالیت مالی آزادانه محدود می‌سازد. در چنین شرایطی بر ریسک فعالیت مالی بانک‌ها افزوده شده و آنها وادار به فعالیت‌های غیرمولدی می‌شوند که دارای بالاترین بازدهی و کمترین ریسک هستند. تداوم چنین روندی، به افزایش شاخص بهای زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ می‌انجامد و بر این اساس به شدت به صنایع واقع در مناطق دورافتاده کشور (که از تأثیر نرخ تورم بر ارزش اموال غیرمنقول خود منتفع نمی‌شوند و در عمل از ارزش واقعی سرمایه و قابلیت توثیق اموال غیرمنقول آنها کاسته می‌شود) آسیب وارد می‌شود.

۴-۱-۵. تأمین مالی از طریق منابع غیررسمی

بازار غیررسمی معمولاً اشخاص متقاضی را تأمین مالی می‌کند، لکن به دلایل مختلف از جمله قدرت انحصاری در بازار، ریسک اعتباری بالای وام‌گیرنده (به دلایل فقدان قدرت قانونی برای مطالبه وثیقه)، محدودیت سبد وام‌های عرضه‌کننده وام و هزینه اضافی فعالیت در بازار غیرقانونی/غیررسمی، نرخ‌های بهره بسیار هنگفتی را برای این وام‌ها مطالبه می‌کنند، که طبیعتاً این

روند علاوه بر افزایش هزینه تولید، به افزایش قیمت محصولات که به کاهش قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها منجر می‌شود، می‌انجامد و در نهایت تداوم حیات بنگاه‌ها را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

در واقع از دید رفاه اجتماعی و تأمین فرصت‌های برابر، بنگاه‌های خرد و کوچک حق دارند به بازار اعتبارات دسترسی داشته باشند. از طرف دیگر و از زاویه طراحی قراردادهای مدیریت ریسک اعتباری نیز به نظر می‌رسد بانک‌ها نیز محق هستند^۱. با این وضعیت، نمود چرخه بازخورد منفی است: هر چه بنگاه کوچک‌تر و لذا آسیب‌پذیرتر باشد، احتمال دسترسی آن به تسهیلات از منابع رسمی کاهش می‌یابد و هر چه شانس دسترسی به خدمات مالی کاهش یابد، بنگاه‌ها خرد آسیب‌پذیری بیشتری در نوسانات اندک اقتصادی خواهند داشت و امکان اجرای ایده‌های اقتصادی کارآفرینانه - حتی در حد خرید ابزارهای ساده‌ای مثل یک رایانه برای انجام خدمات حسابداری از آنان سلب می‌شود.

۴-۲. مسائل روش‌های فعلی حمایتی و نظام تأمین مالی بخش صنعت از محل منابع داخلی

نظام تأمین مالی بخش صنعت کشور دارای چالش‌های بنیادینی جهت حمایت مؤثر از رشد و توسعه صنعتی کشور است که در ادامه برخی از آنها مورد توجه قرار می‌گیرد:

۴-۲-۱. مبتنی نبودن حمایت‌ها بر نوع و دوره عمر صنعت

در اختیار قراردادن برخی امکانات و حمایت‌های زود هنگام (و یا دیر هنگام)، نه تنها سبب رشد نمی‌شود، بلکه می‌تواند بنگاه مذکور را ناتوان سازد. در مرحله بعد یعنی مرحله رشد، که بنگاه تولید خود را به فاز تجاری نزدیک می‌کند لازم است حمایت‌ها بیشتر بر مبنای بازاریابی و حمایت‌هایی از این دست باشد و به همین ترتیب در مراحل بلوغ و افول نیز حمایت‌ها باید متناسب و هدفمند طراحی شود. حال آن که طی سال‌های گذشته سیاست حمایت از صنایع به هر قیمتی، حتی برای صنایع رو به افول، در دستور کار دولت قرار داشته است. امری که با تأخیر انداختن خروج بنگاه از گردونه فعالیت، فزونی هزینه و زیان‌های مالی و اجتماعی فعالان ذیربط را به همراه داشته است.

۱- بانک‌ها چنین برداشت می‌کنند که وقتی بنگاه‌های کوچک متقاضی وثیقه معتبری نزد بانک نمی‌گذارند، ممکن است برنامه منظمی برای پرداخت اقساط آن طراحی نکرده و حتی وام دریافتی را در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که بازدهی بسیار ناچیزی داشته باشد یا حتی فعالیتی زیان‌ده باشد.

۴-۲-۲. کم توجهی به تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها

در حالی که برای ایجاد صنایع جدید تسهیلات کلان در نظر گرفته می‌شود، رشد و توسعه صنایع موجود چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این موضوع در مورد صنایع مبتنی بر فناوری‌های نوین بسیار جدی‌تر است. زیرا به صورت عمومی این صنایع تسهیلات ایجاد کلان را نداشته و یا کمتر دارند و عمده نیاز آنها در حین تولید و در غالب سرمایه در گردش است. به ویژه این که هزینه‌های تحقیق و توسعه در این صنایع قابل توجه است.

۴-۲-۳. ماهیت دولتی نهادهای تأمین مالی و عدم ریسک‌پذیری آنها

مشکلات تأمین مالی در صنایع ریسک‌پذیر نیز تا حدود زیادی از ماهیت دولتی غالب نهادهای تأمین مالی موجود نشأت می‌گیرد که ضوابط «قانون محاسبات عمومی» کشور بر آنها جاری است. بنابراین پذیرش ریسک طرح‌های نوآورانه برای مدیران این مجموعه‌ها فراهم نیست.

۴-۲-۴. شبکه غیر تخصصی و ناهماهنگ از نهادهای مختلف تأمین مالی

در حال حاضر برای اعطای تسهیلات، بیش از ۵۰ نهاد و محل مختلف (اعم از صندوق‌های مالی، مواد قانونی در برنامه‌های توسعه پنج ساله و بودجه‌های سنواتی، طرح‌های حمایتی و سازمان‌های مربوطه) فعالیت می‌کنند که میان آنها تقسیم کاری انجام نشده و ارتباط سازمان یافته‌ای مابین آنها وجود ندارد؛ لذا این صندوق‌ها در حوزه‌های مختلفی وارد طرح‌های گوناگونی می‌شوند. تجربه نشان داده چنین رویکردی گاه بدون توجه به نیاز بازار حمایت از پروژه‌های سودده مشابه را به همراه داشته است. حال آن که، عدم تطابق با کشش تقاضای بازار، نتایجی چون کاهش نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های ایجاد شده و از دست دادن توجیه اقتصادی فعالیت بنگاه صنعتی را به دنبال داشته است. بر این مبنا، تشکیل شبکه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی معتبر برای همکاری فی‌مابین این نهادها و صندوق‌های تأمین مالی، مقدم بر سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی است.

۴-۲-۵. اتکای بانک‌ها به وثایق ملکی

مبحث «وثیقه» در دانشنامه حقوق تطبیقی الگار، با این جمله آغاز می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی با «اعتبار» زنده هستند و هیچ اعتباری بدون وثیقه وجود ندارد (نشریه تجارت فردا، ۱۳۹۲). دریافت کنندگان تسهیلات بانکی، به دلیل وثایقی که بانک از آنها اخذ کرده است اقدام به بازپرداخت اقساط تسهیلات می‌کنند و اگر بدانند که بانک‌ها قادر به اجرای وثایق نیستند، تمایلی به

ایفای تعهدات خود نخواهند داشت. این امر خصوصاً در شرایط تورمی، موجب افزایش مطالبات معوق بانک‌ها خواهد شد و در نهایت، توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها و دسترسی به اعتبار برای بنگاه‌های اقتصادی را با دشواری مواجه می‌سازد.

اخذ وثیقه، یک عملیات فیزیکی و اجرایی صرف نیست؛ بلکه دارای ماهیت حقوقی و قانونی است. به عبارت بهتر، قانون‌گذار باید مشخص کند که اخذ وثیقه در قالب چه عقود و با چه شرایطی قابل انجام است. در ایران، مبنای اخذ وثیقه در قانون مدنی در قالب عقد رهن بیان شده است. قانون مزبور به پیروی از آرای فقها در رابطه با این عقد دو شرط اساسی را مدنظر قرار داده است. این دو شرط عبارت است از: قبض مال مرهونه و لزوم عین بودن آن.

قبض^۱ مال مرهونه در ماده ۷۷۲ قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته و عین بودن آن نیز در ماده ۷۷۴ مورد بحث قرار گرفته است. ماده ۷۷۴ قانون مدنی اشعار می‌دارد که مال مرهونه باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است.

بر این اساس، دور از انتظار نیست که بخش مهمی از وثایقی که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از مشتریان خود اخذ می‌نمایند، وثایق ملکی باشند. به ویژه این که بیش از ۸۰ درصد از دارایی‌های ایرانی‌ها املاک و مستغلات است. لذا با چنین شرایطی دور از انتظار نیست که بسیاری از بنگاه‌های خرد و کوچک - که طبیعتاً املاک و مستغلات کمتری نیز دارند - برای تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز خود از محل تسهیلات بانکی با چالش‌های جدی مواجه شوند.

علاوه بر وثایق ملکی، یکی از انواع وثایق مورد قبول بانک‌های برای تأمین مالی کوتاه‌مدت، پذیرش موجودی کالا برای اخذ وام است. برای این که بتوان موجودی کالا را به عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار داد، موجودی باید دارای ویژگی‌های خاصی نظیر نوع موجودی، قابلیت فروش سریع و بادوام باشد (سیدی، ۱۳۹۰).

روش‌های متداول تأمین مالی با وثیقه قراردادن موجودی‌ها، شامل گرو گذاردن کل موجودی‌ها، وام با رسید امانی، وام با کنترل انبارها است. این روش تأمین مالی ابزاری برای حل

۱- بر اساس ماده ۳۶۸ قانون مدنی، قبض عبارت است از: استیلائی مشتری بر مبیع. به عبارت دیگر، هنگامی که مالی به رهن داده می‌شود، باید رهن‌گیرنده، مال مورد رهن را قبض کند (به تصرف درآورد). در غیر این صورت، رهن صحیح نیست. با این حال، بانک‌ها که معمولاً تمایلی به قبض وثیقه ندارند، برای حل این مشکل معمولاً در قراردادهای خود قید می‌کنند که تسهیلات‌گیرنده اقرار کرده وثیقه به قبض بانک داده شده است.

مشکل نقدینگی و تنوع در تأمین مالی کوتاه‌مدت است. ولی معایبی مانند بالابودن هزینه تأمین مالی، امکان نقد شوندگی، تغییرات بازار، مسائل فروش و فاسد شدنی بودن برخی موجودی‌ها باعث شده است روش مورد استقبال مدیریت بانک‌ها قرار نگیرد. لذا محدود بودن املاک و مستغلات قابل توثیق به ویژه در شهرهای کوچک سبب شده درصد بالایی از پرونده‌های تشکیل شده به ویژه در شهرستان‌ها که با صرف هزینه و وقت فراوان برای متقاضیان و دستگاه‌های اجرایی تشکیل شده، در شعب بانکی بایگانی و در انتظار تکمیل وثیقه و ضامن باشد. ضمن این که، هم‌اکنون بسیاری از خانه‌های واقع در مناطق روستایی، از سوی بانک‌ها به عنوان وثیقه پذیرفته نمی‌شوند، چون بازار فعال (نقدی) و قیمت روشنی برای آنها وجود نداشته بنابراین در صورت عجز از پرداخت وام‌گیرنده (Default) نمی‌توان به سادگی آنها را به فروش رسانده و به پول نقد تبدیل کرد.

پذیرش ۷۰ درصد از ارزش ملک در سقف تسهیلات قابل ارائه و ارزیابی کمتر از ارزش واقعی وثایق توسط بانک‌ها همچنان از معضلات این فرایند است. چرا که براساس قانون ارزش‌گذاری وثایق باید توسط کارشناسان رسمی دادگستری صورت پذیرد.^۱

یکی دیگر از انواع وثایق قابل قبول بانکی، سپرده‌های ارزی و ریالی شرکت است. حال آن که، بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور، از مانده سپرده‌های بانکی بالایی برخوردار نیستند و برای تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز خود در مضیقه قرار دارند.

علاوه بر موارد مذکور، در طول سنوات گذشته راهکارهای کوتاه‌مدت و مقطعی مختلفی در این حوزه مد نظر قرار گرفت که عملاً چندان از قابلیت اجرا برخوردار نشد. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی طبق بخشنامه‌ای به بانک‌ها اجازه دریافت حساب یارانه افراد را به عنوان وثیقه پرداخت وام‌های بانکی صادر نمود. اگر چه این بخشنامه را می‌توان شکل ساده‌ای از «رهنی‌سازی»^۲

1. <http://www.farsnews.com>

۲- رهنی‌سازی دارایی‌ها یا همان Securitization، یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های مالی در چند دهه اخیر بوده است. این فرآیند به مؤسسه یا فردی که انتظار دریافت جریان نقدی طولانی‌مدتی را دارد، اجازه می‌دهد تا مالکیت این جریان را به مؤسسه دیگری منتقل کرده و در عوض معادل نقدی آن در وضعیت فعلی را یکجا دریافت کند.

جریان‌های نقدی آتی تلقی نمود، لکن تورم بالای ناشی از هدفمند یارانه‌ها و آزادسازی نرخ ارز، عملاً قابلیت اجرایی این بخشنامه در همان ابتدا با ابهامات جدی مواجه ساخت^۱.

۳-۴. مسائل ساختاری بخش صنعت به عنوان عاملی در جهت تشدید نیازهای مالی

بر پایه اطلاعات مندرج در نشریات مرکز آمار ایران (نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی)، بخش بزرگی از کارگاه‌های صنعتی کشور بسیار کوچک (دارای ۹-۱ نفر کارکن) هستند (برای سال ۱۳۸۱، در حدود ۹۶/۳ درصد) و پس از آن به ترتیب کارگاه‌های کوچک صنعتی (۴۹-۱۰ نفر کارکن)، بزرگ (۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر) و متوسط صنعتی (۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. تعدد کارگاه‌های بسیار کوچک و کوچک صنعتی با این تأکید که چنین صنایعی به دو دسته عمده ذیل قابل تقسیم‌بندی هستند، تأمل‌برانگیز است:

- صنایعی که تولیداتشان فرآورده نهایی است و در بازارهای سنتی و محلی به فروش می‌رسد؛

- صنایعی که فرآورده نهایی نداشته و باید تولیدات خود را که جزء محصولات واسطه‌ای هستند به صنایع دیگر که معمولاً بزرگ‌تر هستند بفروشند.

در واقع با چنین رده‌بندی، انتظار می‌رود گروه دوم بخش غالب صنایع کوچک کشور را تشکیل داده و تقویت‌کننده صنایع بزرگ و موتور محرکه بخش صنعت کشور باشند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد استراتژی واردات محصولات واسطه‌ای که از ابتدای روند صنعتی شدن ایران دنبال شده است، صنایع بزرگ کشور را وابسته به مراکز صنعتی خارجی نموده است. بر این مبنای صنایع کوچکی که تأمین‌کننده نیازهای واسطه‌ای بنگاه‌های بزرگ باشند، بسیار محدودند - حسب اطلاعات جدول ذیل به نظر می‌رسد لزوم تأمین نیازهای داخلی، سبب تعدیلاتی در این خصوص شده است. لذا بنگاه‌های کوچک صنعتی، عمدتاً به ارائه محصولات نهایی نه چندان پیچیده و با کیفیت پایین محصول اشتغال دارند. وضعیتی که انعطاف‌پذیری محدود تولید و منابع سرمایه‌گذاری شده و غیررقابتی بودن محصولات صنعتی کشور و در نهایت افزایش شاخص بهای تولیدکننده در

۱- چشم‌انداز اقتصاد ایران، تحولات قیمت نفت، محدودیت‌های ایجاد شده برای صادرات نفت و امثال آن پرداخت‌های منظم یارانه‌های نقدی وعده‌داده شده را در ابهام قرار می‌داد. لذا بانک‌های وام‌دهنده با درک ریسک‌های آتی معطوف به پرداخت‌های نقدی در عمل از قبول این نوع وثیقه‌ها خودداری می‌ورزیدند.

طی زمان را در پی داشته است. این در حالی است که در شرایط فعلی اقتصادی کشور از سویی و اقتصاد جهانی از سوی دیگر، کاهش هزینه‌های تولید در کنار افزایش کیفیت (که همواره برای تمام صنایع به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری مهم بوده)، اهمیت بیشتری یافته است.

جدول ۶. تعداد کارگاه‌های صنعتی کشور از منظر توزیع اندازه

شرح	۱۳۸۱	۱۳۸۹
تعداد کارگاه‌های دارای ۱ تا ۹ نفر کارکن	۴۲۶۱۱۷ (۹۶/۳)	--
تعداد کارگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر	۱۶۳۰۵ (۳/۷)	۱۵۳۰۲
جمع	۴۴۲۴۲۲	--
تعداد کارگاه‌های دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و بیشتر	۱۲۸۲۲ (۲/۹)	۱۰۷۱۱
تعداد کارگاه‌های دارای ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن	۱۶۸۶ (۰/۳۸)	۲۲۲۹
تعداد کارگاه‌های دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر	۱۷۹۷ (۰/۴۱)	۲۳۶۱
سهم کارگاه‌های دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن و بیشتر از کارگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر	۷۸/۶۳	۷۰
سهم کارگاه‌های دارای ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن از کارگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر	۱۰/۳۴	۱۴/۵۷
سهم کارگاه‌های دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر از کارگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر	۱۱/۰۲	۱۵/۴۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور
 اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده سهم از کل است.

با توصیفات ذکر شده از ساختار بنگاه‌های صنعتی کشور، دور از انتظار نیست در گزارش‌های ادواری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همواره از کمبود نقدینگی^۱ و سوء مدیریت به عنوان دلایل اصلی بروز بحران‌های کارگری یاد شده است.

۱- نقدینگی یا سرمایه در گردش بنگاه، به میزان سرمایه‌ای اطلاق می‌شود که بنگاه در فرآیند تولید کالا، از مرحله خرید مواد اولیه تا مرحله فروش محصول نهایی بدان نیازمند است.

۴-۳-۱. کمبود نقدینگی

چنانچه یک بنگاه اقتصادی به علل مختلفی نظیر سطح دسترسی به اعتبارات بانکی، در هر کدام از مراحل فعالیت نتواند سرمایه در گردش مورد نیاز برای به چرخش درآوردن فرایند تولید را به صورت کارا تجهیز کند، در فرایند تولید با مشکل مواجه خواهد شد و عدم تولید و فروش محصول بنگاه به معنی مشکل تأمین نقدینگی برای تکرار فرایند تولید خواهد بود (کمبود نقدینگی). حال چنانچه به دلایلی نظیر کمبود ارتباطات افقی و عمودی همکاری بین بنگاه‌های - این وضعیت در بنگاه‌های خرد و کوچک بیشتر نمود می‌یابد - و لذا عدم شکل‌گیری مناسب زنجیره تأمین، فرایند تولید نیز زمان‌برتر شود، فرایند طبیعی بازگشت نقدینگی از محل فروش بنگاه به تأخیر می‌افتد و نیاز بنگاه به تأمین نقدینگی از محل دیگری را تشدید خواهد کرد (حبس نقدینگی). علاوه بر این، اگر فرایندهای تولید به دلیل محدودیت‌هایی که فضای فعالیت اقتصادی تحمیل می‌کند زمان‌برتر شوند، میزان نقدینگی مورد نیاز بنگاه برای تجهیز میزان معینی از تولید افزایش خواهد یافت. چنین وضعیتی به طور حتم به تسری مشکلات زنجیره‌ای تأمین مالی یک بنگاه به دیگر بنگاه‌های پائین دستی و بالادستی نیز منجر می‌شود.

۴-۳-۲. مسائل مدیریتی

در بنگاه‌های خرد و کوچک، تفاوتی بین مدیریت شرکت و صاحب آن وجود نداشته و صاحب کسب و کار مدیریت واحد را نیز بر عهده دارد. در این بنگاه‌ها معمولاً کمتر ساختار سازمانی گسترده و تقسیم وظایف دقیق وجود دارد. تغییر مدیریت در آنها کمتر اتفاق می‌افتد و تغییر و تحول سازمانی کمتر مشاهده می‌شود (بیگز زاده و یوسفندی، ۱۳۹۲). ساماندهی و مهندسی این بنگاه‌ها و در یک کلام مدیریت استراتژیک در چنین بنگاه‌هایی با مشکلات زیادی روبرو است. به طور خلاصه، پیاده‌سازی برنامه‌ریزی استراتژیک بنگاه‌های کوچک با مشکلات و محدودیت‌های متعددی نظیر موارد ذیل مواجه است:

- اغلب شرکت‌های کوچک یک مالک دارند؛
- معمولاً آمار و اطلاعات مناسبی از وضعیت گذشته و حال آنها وجود ندارد
- و حساب‌های مالی شرکت نیز به نحوه صحیحی نگه‌داری نمی‌شود؛

- تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آن‌ها در اجرا با مشکلات زیادی روبرو است؛
 - معمولاً در این بنگاه‌ها از مدیریت علمی در توسعه کسب و کار استفاده نمی‌شود و بر اداره شرکت بر مبنای تجربیات گذشته اصرار می‌شود؛
 - کمبود دانش و معلومات و عدم توان اخذ مشاوره؛
 - نیروی شاغل توان اجرای برنامه‌های حاصل از مدیریت استراتژیکی را ندارند.
- نظر به ضعف مدیریت استراتژیک در بنگاه‌های کوچک، استراتژی رقابتی^۱ (در جهت دستیابی به یک موقعیت مناسب در بازار) و بقای بنگاه که نتیجه به کارگیری چنین مدیریتی است با ناکامی‌های جدی مواجه است. در مجموع، تدوین استراتژی رقابتی در بنگاه‌های کوچک و متوسط مستلزم استقرار مدیریت استراتژیک و ضامن ادامه فعالیت و رشد و توسعه بنگاه به شمار می‌رود و انتظار می‌رود با رویکردهای ذیل، منجر به خلق بیشتر ثروت و لذا تأمین مالی سهل‌تر شود:
- ارائه محصولات یا خدمات مورد نیاز مشتری؛
 - تأکید بر نوآوری جهت عرضه محصولات یا خدمات جدید؛
 - کاهش قیمت تمام شده؛
 - کاهش دوره زمانی توسعه محصول از ایده تا بازار؛
 - ارتقاء کارایی؛
 - حذف ضایعات در تولید؛
 - بهبود ارائه خدمات به مشتری؛
 - تقویت روحیه خلاقیت و کارآفرینی؛
 - افزایش توان پیش‌بینی تحولات و تغییرات تکنولوژی؛
 - تقویت توان برنامه‌ریزی از طریق اعمال برنامه‌ریزی استراتژیک؛
 - افزایش سهم بازار؛
 - ایجاد ساختار مناسبی که پیاده‌سازی مؤثر و اثر بخش مدیریت استراتژیک را میسر سازد؛

۱- تعیین استراتژی رقابتی از مراحل ساده برنامه‌ریزی استراتژیک عبور می‌کند. این مرحله عبارت است از تعیین مأموریت، چشم انداز و اهداف، تحلیل فرصت‌ها و تهدیدات خارجی، تحلیل نقاط قوت و ضعف داخلی، تحلیل SWOT و تدوین استراتژی، پیاده‌سازی و کنترل استراتژیک.

- آماده‌سازی، آموزش و به کارگیری نیروی انسانی متناسب با نیاز بازار به ارائه تولیدات و خدمات جدید.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت بخش صنعت و معدن در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، تحریم‌های اقتصادی حائز تاثیرات نامتقارنی بر عملکرد بخش بوده است و به فراخور سطح نیاز ارزی صنعت به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خارجی، امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی، میزان اهمیت راهبردی و سطح حمایت‌های دولتی و همچنین امکان تعدیل قیمت در بازارهای داخلی صنایع مختلف به میزان متفاوتی از فشار تحریم‌های خارجی و افزایش نرخ ارز متأثر شده‌اند. در این میان، بنگاه‌های خرد و کوچک به دلیل ضعف ساختاری در تأمین مالی با مشکلات مضاعفی مواجهند که حیات و توسعه آنها را در معرض تهدیدات جدی قرار می‌دهد.

علاوه بر این یافته‌های تحقیق نشان داد در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای که قوانین حمایت از حقوق مالکیت فکری و معنوی در آنها وجود دارد، وثایق معنوی و حق ثبت اختراع از جمله وثایق قابل قبول بانک‌ها در اعطای تسهیلات است. نکته قابل تأمل دیگر این‌که، وجود سامانه رتبه‌بندی اعتباری مشتریان در کاهش وثایق درخواستی بانک‌ها و پرهیز بانک‌ها از دریافت تضامین بالا نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

نظر به این‌که طی سال‌های گذشته، ضعف در اعتبارسنجی استفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی به تخصیص غیربهبینه منابع اعتباری بانک‌ها و افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها منجر شده است - اطلاعات نشان می‌دهد مطالبات غیرجاری شبکه بانکی در پایان شهریور ماه ۱۳۹۲ معادل ۷۶۵،۵۸۲ میلیارد ریال (۶۲۸،۷۲۳ میلیارد ریال آن به ریال و ۱۳۶،۸۵۹ میلیارد ریال آن به ارز) بوده است. چنین سطحی از مطالبات غیرجاری ضمن افزایش هزینه‌های عملیاتی بانک‌ها، کاهش راندمان کار و سودآوری، کاهش میزان خدمت به مشتریان و ...، بلوکه شدن مبالغ زیادی از منابع بانک‌ها نزد عده‌ای خاص، کندی چرخش نقدینگی در اقتصاد کشور، عدم اختصاص به موقع و بهینه منابع به شبکه تولید و صنعت، عدم رونق اقتصادی و در نهایت رکود اقتصادی و کندی رشد اشتغال را به

۱- مطالبات غیرجاری به تعهداتی اطلاق می‌شود که متعهدان آنها با وجود تعهدات و قراردادهای منعقد، به موقع و در سررسید نسبت به ایفای تعهدات اقدام نکرده‌اند.

دنبال داشته است، منابع نظام بانکی تکافوی نیازهای رو به گسترش واحدهای اقتصادی را نمی‌نماید. علاوه بر این، مشکلات مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی سبب شده که این نهادها در تأمین مالی واحدهای خرد و کوچک تولیدی با احتیاط بیشتری اقدام نمایند و این مهم واحدهای مذکور را که در شرایط نامناسب مالی و ناتوانی در تأمین وثایق درخواستی بانک‌ها به سر می‌برند با چالش‌های جدی در تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز و لذا ادامه فعالیت قرار داده است.

با توجه به چالش‌های حوزه تولید از مهم‌ترین رویکردهای مصوبات و لایحه دولت (مصوبات شماره ۱۱۸۳۲۰/ت/۴۹۵۱۵ هـ و شماره ۱۱۸۳۲۲/۴۹۵۱۵ در مورخ ۹۲/۶/۲۱ و نیز تصویب‌نامه شماره ۵۰۵۸۲/ت/۵۶۹۱۷ هـ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۵ هیأت محترم وزیران در خصوص رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری و اشتغال و ایجاد تحرک اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار و همچنین لایحه حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری و ارتقای نظام مالی کشور) جهت رفع تنگناهای تولید و سرمایه‌گذاری در وضعیت کنونی کشور می‌توان به این موارد اشاره کرد: تسهیل گمرکی، تسهیل تأمین مالی ریالی، تسهیل تأمین مالی ارزی و سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های سرزمینی و منطقه‌ای، بهبود محیط کسب و کار، افزایش سرمایه بانک‌ها و تسویه بدهی‌های دولتی به پیمانکاران بخش خصوصی.

با وجود این نظر به آن که دولت و بانک مرکزی از سال گذشته تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها را در اولویت قرار داده‌اند، همچنان به نظر می‌رسد واحدهای خرد و کوچک به دلیل ناتوانی در تأمین وثایق درخواستی بانک‌ها با چالش‌های جدی مواجه‌اند و از این منظر یافتن راه‌هایی برای تسهیل فرایند تأمین مالی واحدهای خرد و کوچک با تأکید بر جایگزینی برای روش‌های متعارف ضمانت و وثیقه‌گذاری بانکی به اتکای تجربیات دیگر کشورهای جهان، به عنوان موضوع این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

نکته قابل تأمل دیگر در این زمینه آن که، جزئی‌نگری، فقدان انسجام و یکپارچگی، از بین رفتن همسویی استراتژیک و تعارض بین اهداف، نتیجه تقسیم کار بیش از حد و تفکیک سنتی وظایف در نهادها و سازمان‌های عمومی بوده است. در نتیجه کشورهای مختلف از جمله کشورهای مورد بررسی اقدام به اتخاذ رویکرد سیستماتیک و یکپارچه در طراحی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عمومی کرده‌اند. بر این مبنای، در حال حاضر در غالب کشورهای دنیا حوزه‌های صنعت، بازرگانی و

حتی اقتصاد از یکدیگر جدا نیستند و با رویکردی سیستماتیک و یکپارچه با یکدیگر هماهنگ و نقش توسعه‌ای آنها جهت تأمین و حمایت منسجم از تولید پررنگ‌تر شده است. گذشته از مباحث مذکور، نباید از نظر دور داشت که فعالیت انتزاعی و رشد و توسعه خود به خود بنگاه‌های کشور از مسائل اصلی تأمین مالی بنگاه‌های کشور است. حال آن که در حالت فعالیت شبکه‌ای و خوشه‌ای بنگاه‌ها و حمایت از تکمیل زنجیره‌های ارزش و ارائه هدفمند حمایت‌های مشاوره‌ای و آموزشی، بسیاری از مسائل و نیازهای تأمین مالی بنگاه‌های کشور مرتفع می‌شود.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد ملی نخبگان.
- پایگاه اطلاع‌رسانی پارک‌های فناوری پردیس.
- پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران.
- پایگاه اطلاع‌رسانی صندوق توسعه فناوری‌های نوین.
- پایگاه اطلاع‌رسانی صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک.
- پایگاه اطلاع‌رسانی صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک.
- پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
- قانون مدنی
- بیگ زاده، سیدرضا و نوراله‌دی یوسفندی، (۱۳۹۲)، «نقش مدیریت استراتژیک در سازمان‌های کوچک»، نشریه مدیر یار.
- سیدی، سید احمد، (۱۳۹۰)، «تأمین مالی از طریق وثیقه قراردادن موجودی‌ها». مجله فن‌آوری و دانش.
- شرکت تأمین سرمایه امین، (۱۳۸۷)، «ابزارها و روش‌های تأمین مالی از منظر بانک‌های سرمایه‌گذاری».
- نشریات مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی.

- نشریه تجارت فردا، (۱۳۹۲)، «بررسی چالش‌های حقوقی بانک‌ها در وصول مطالبات معوق»، شماره اسفند ماه.

- “Organization for Economic Co-operation and Development, Small and Medium-Sized Enterprises in Turkey: Issues and Policies”, 2004.
- “International Development Research Centre, International Experiences in Governmental Policies and Processes for SMEs: A Comparative Analysis, Third Draft Report”, Vol.1, 2002.
- World Bank, "Doing Business Report", 2017.
- www.kcgf.co.kr
- <http://www.farsnews.com>
- www.unido.org